

# بازتاب سرمایه‌ی اجتماعی بر بهبود روابط دولت - ملت

سیاست متعالیه

- سال پنجم
- شماره نوزدهم
- زمستان ۹۶

بازتاب سرمایه‌ی  
اجتماعی بر بهبود  
روابط دولت - ملت  
(۱۱۳ تا ۱۳۴)

سهیلا چگینی\*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۴/۲۴

تاریخ تأیید: ۱۳۹۶/۶/۲۳

## چکیده

موضوع مقاله‌ی حاضر، بررسی تحلیلی بازتاب عناصر حیاتی سرمایه‌ی اجتماعی در روابط حاکمیت و مردم در متن جامعه‌ی اسلامی و نقش آن در رسیدن به پیشرفت است. مدعا این است که اعتماد از شاخص‌های مهم سرمایه‌های اجتماعی است و قابل تبدیل شدن به سرمایه‌ی اقتصادی را دارد؛ چرا که شکل‌گیری اعتماد اجتماعی - در اثر عدالت‌گستری کارگزاران - به قانون‌مندی شهروندان و ایجاد امنیت می‌انجامد و انسجام اجتماعی و سطح مشارکت در جامعه را ارتقا می‌بخشد. در این رهیافت، خدامحوری، نقطه‌ی آغازین ایجاد اعتماد متقابل و مشارکت اجتماعی است. هدف بنیادی، کشف و تبیین ماهیت روابط میان مؤلفه‌های سرمایه‌ی اجتماعی از طریق بازنگری در نظریاتی است که افزایش حجم ساختاری شبکه‌ای را محور دست‌یابی به توسعه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی معرفی می‌کنند. نتایج کاربردی تحقیق حاکی از آن است که خدامحوری و بصیرت در لایه‌های شناختی جامعه، به دستاورد مشارکت رهنمون می‌گردد و با فرسایش آن، کارآمدی نظام سیاسی کاهش می‌یابد.

## واژه‌های کلیدی:

خدامحوری، لایه‌های شناختی، پل سرمایه‌ی اجتماعی، روابط دولت - ملت.

\* استادیار دانشگاه فرهنگیان، دکترای ارتباطات اجتماعی: (s.chegini@cfu.ac.ir).

## مقدمه

جامعه‌ای که اعتماد متقابلی میان آحاد آن وجود ندارد، افراد و گروه‌ها به‌جای اندیشیدن به خدمت و سازندگی، بخشی از نیروها و امکانات خویش را صرف مقابله با بخشی دیگر و یا صرف نظارت و مراقبت می‌کنند؛ در نتیجه، حرکت جامعه در عرصه‌ی پیشرفت و سازندگی کند یا متوقف می‌شود و هنگام مقابله با دشمن خارجی، قدرت دفاعی شدیداً کاهش می‌یابد. به‌علاوه، گسست میان اقشار جامعه و اختلافات گروهی، رشد علم و فرهنگ را مختل و اقدامات فرهنگی گروه‌ها و گرایش‌ها و فعالیت‌های مثبت طرفین را خنثی می‌کند. این‌درحالی است که توسعه‌ی سلسه‌مراتب اداری برای افزایش مشارکت اجتماعی و تصویب لوایح برای قانون‌مندنمودن آحاد جامعه، ظرفیت مقابله با آسیب‌ها را ندارند؛ زیرا عامل مهم باورها، در لایه‌های شناختی جامعه نادیده گرفته می‌شود و نمی‌تواند به حل ریشه‌ای معضلاتی مانند: انحرافات اجتماعی، هنجارشکنی‌ها، ناامنی و دیگر تعارضات و کج‌روی‌ها بیانجامد. این نوشته بر آن است تا با نوآوری در تدوین طرح جدیدی از رویکرد اسلامی در زمینه‌ی نقش و تأثیر خدامحوری و گسترش عدالت با توالی مؤلفه‌های حیاتی در افزایش سرمایه‌ی اجتماعی، بتواند در مقوله‌ی الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت مساعدت نماید. این مقاله، پاسخی است به راهکار بهبود روابط دولت- ملت مبتنی بر سرمایه‌ی اجتماعی، تا زمینه‌ی تبیین واقع‌بینانه‌تری را برای این تعامل فراهم آورد؛ لذا مبتنی بر ارائه‌ی جنبه‌های غیرانتزاعی عدالت در مبانی الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت و ناظر به وظایف دولت، تکمیل‌کننده‌ی پیش‌نویس تدابیر در بخش "دولت اسلامی" و "عدالت" خواهد بود. دغدغه‌ی اصلی، رسیدن به این هدف است که در زمینه‌ی عناصر مؤثر بر سرمایه‌ی اجتماعی، با انگیزه‌ی بهبود روابط دولت- ملت و در نتیجه پیشرفت کشور، چه الگویی را می‌توان ترسیم کرد که بر اساس آن، مؤلفه‌های سرمایه‌ی اجتماعی در جامعه‌ی اسلامی احصاء گردند؟ این پژوهش، با توسعه‌ی دانش نظری، به ارائه‌ی الگوی جدیدی در ترسیم نقش خدامحوری بر لایه‌های شناختی و تأثیر آن در هم‌افزایی سرمایه‌ی اجتماعی می‌پردازد و کارکرد آن را در تعهدات متقابل حکومت و مردم در پیشرفت کشور تبیین می‌نماید؛ این مهم، از طریق تجزیه و تحلیل جایگاه راهبردی عدالت‌گستری و اعتمادسازی در تقویت سرمایه‌ی اجتماعی، قابل بررسی است. در الگوی پایه‌ی پیشرفت کشور - در بخش مبانی جامعه‌شناختی - عدالت مانند تقوا از لوازم وفور نعمت محسوب شده است و مبانی ارزش‌شناختی این سند به اهمیت ذاتی عدالت در همه‌ی زمان‌ها و مکان‌ها اشاره دارد. به‌بیان‌دیگر، در برآیند مبانی پایه، پیشرفت حقیقی بر مدار عدالت استوار است؛ زیرا عدالت، محور ارزش‌های اساسی دیگر

فصلنامه

علمی

پژوهشی

مستقبل

مانند: ایمان به خدا، علم، تقوا و مکارم اخلاقی است و با حقوق طبیعی و فطری انسان، اشیاء و امور درون جهان هماهنگ است. بنابراین جا دارد که با توجه به اهمیت عدالت در الگوی پایه، عامل تقویت این ارزش در فرایند تکوین سرمایه‌ی اجتماعی، بیش‌ازپیش بررسی شود. در سامان‌دهی تحقیق، ابتدا به دیدگاه‌های نظری در زمینه‌ی تعریف، توصیف، طبقه‌بندی و ابعاد سرمایه‌ی اجتماعی پرداخته خواهد شد؛ سپس در بخش یافته‌ها، این دیدگاه‌ها مورد ارزیابی و نقد قرار خواهند گرفت؛ در نهایت نیز با روش‌های استدلال عقلانی و هم‌چنین بهره‌گیری از تفسیر قرآن، علت‌گزینش مؤلفه‌های انتخابی الگوی تحقیق تحلیل خواهند گردید.

### سرمایه‌ی اجتماعی

امروزه "سرمایه‌ی اجتماعی" یک مفهوم بین‌رشته‌ای است که با متغیرهایی مانند اعتماد، آگاهی، مشارکت عمومی، همبستگی و نگرانی درباره‌ی دیگران ارتباط دارد (حق‌گویان و همکاران، ۱۳۹۳). سرمایه‌ی اجتماعی وجوه گوناگون سازمان اجتماعی نظیر اعتماد، هنجارها و شبکه‌ها را متراکم و تقویت می‌کند و قادر است با تسهیل اقدامات هماهنگ و معامله‌ی متقابل، کارایی جامعه را بهبود بخشد (پوتنام، ۱۳۹۲: ۲۹۸-۲۹۷). سرمایه‌ی اجتماعی را می‌توان نوعی فرصت پدیدآمده از حیات جمعی در حوزه‌ی درون‌گروهی یا بین‌گروهی دانست که از طریق کارکرد آن تعریف می‌شود و دارای مقوله‌های متعدد با دو ویژگی مشترک است: اول آن که از ساختار اجتماعی تشکیل شده است و در مرتبه‌ی دوم، برخی از کنش‌های افراد درون ساختار اجتماعی را تسهیل می‌نماید (کلمن، ۱۳۸۴). اعتماد متقابل، زیرمجموعه‌ی منابع بالفعل یا بالقوه و جزئی از سرمایه‌ی اجتماعی است که موجبات تسهیل کنش‌های فردی و یا جمعی کنش‌گران جامعه را فراهم می‌سازد (بورديو، ۱۳۸۴). تحقیقات جهانی انجام‌شده در زمینه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی نشان می‌دهد که ارتباطات و عملکرد شبکه‌ای اجتماع - به‌دلیل افزایش تعامل و انسجام جامعه - از اهمیت بالایی برخوردار است. نتایج تحقیقی که به بررسی مفهوم سرمایه‌ی اجتماعی در توسعه کشاورزی پرداخته است، حاکی از آن است که سرمایه‌ی اجتماعی برای مردم: احتیاط، وجدان اخلاقی، همبستگی، همکاری، اخلاق، هنجارها، ارزش‌ها، و تعهد به‌ارمغان می‌آورد (نزار و همکاران، ۲۰۱۶).

مطالعه‌ی این باور که اگر سطح سرمایه‌ی اجتماعی افزایش یابد، سطح اعتماد به دولت ممکن است افزایش یابد، در کشور کانادا مورد بررسی قرار گرفته است. بررسی نتایج داده‌ها نشان داد هنگام پایین‌بودن سطح اعتماد به دولت، دولت نمی‌تواند خدمات خود را

به طور مؤثر ارائه نماید؛ زیرا اهداف سیاسی و روند پیاده سازی آن به طور کامل توسط شهروندان درک نشده است. نتایج پژوهش حاکی از آن است که بین سطح اعتماد به دولت و سرمایه‌ی اجتماعی، ارتباط وجود دارد و شرایط نابه‌سامان جامعه، سطح اعتماد به دولت را کاهش می‌دهد. چگونگی اتصال و پیوندهای اجتماعی در این بررسی - با استفاده از روش پیمایشی - نشان می‌دهد که سرمایه‌ی اجتماعی با بهبود شرایط اقتصادی جامعه افزایش می‌یابد (ویور و همکاران، ۲۰۱۳).

پژوهشی دیگر با موضوع نقش سرمایه‌ی اجتماعی در ارزیابی تحولات جنگ بوسنی و هرزگوین اجرا شده است. یافته‌های این تحقیق نیز نشان می‌داد که سرمایه‌ی اجتماعی یک مکانیزم پیچیده است که شهروندان را در سطوح مختلف قادر می‌سازد که حتی در صورت فقدان یک واحد سیاسی مانند دولت، با عملکرد شبکه‌ای اجتماعی، به بازسازی سیاسی، اقتصادی و توسعه‌ی کشور بپردازند. این سرمایه‌ی اجتماعی در شرایط گذار، مانند یک عامل امنیتی متمرکز عمل می‌کند و کشور را از خطر شکست و سقوط نجات می‌دهد (پاپووا، ۲۰۱۲).

تحقیقی در امریکا با هدف شناخت راهکارهای جامعه در حوزه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی، برای مقابله با فاجعه‌ای مانند تروریسم انجام گرفته است. در این تحقیق به شش بُعد سرمایه‌ی اجتماعی، شامل: تعهدات و انتظارات، پتانسیل اطلاعاتی، هنجارها، روابط قدرت، سازمان‌های اجتماعی و سازمان‌های مردم‌نهاد اشاره شده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهند سرمایه‌ی اجتماعی تنها شکل سرمایه است که در طول یک دوره‌ی اضطراری می‌تواند سریعاً تجدید و افزایش قوا بیابد (داینس، ۲۰۰۶). سامسون و گروز (۱۹۸۹) در مطالعات خود نشان داده‌اند که رابطه‌ای قوی بین جنبه‌های مختلف بی‌سازمانی اجتماعی و عدم ثبات و انسجام اجتماعی وجود دارد.

نتایج یافته‌های پژوهشی‌ای هم که در مراکز تحقیقاتی ایران انجام شده است، نشان می‌دهند توسعه‌ی شاخص‌های سرمایه‌ی اجتماعی سبب مشارکت در تولید دانش جدید می‌شود. اولویت اول، تیم‌های کاری دانشگاهی با هدف مشارکت اجتماعی؛ اولویت دوم، تحقیق و توسعه با هدف تعالی دانشگاه؛ اولویت سوم، نهادهای حمایتی برای توسعه‌ی تکرر فرهنگی در دانشگاه بود (عالی‌پور و عنایتی، ۱۳۹۵). پژوهشی با هدف بررسی اثرات مستقیم رهبری موثق بر سرمایه‌ی اجتماعی، خلاقیت و نوآوری انجام شده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد مدیران می‌توانند در سبک رهبری خود از طریق ارتباطات دوسویه،

تشریک مساعی، اعتماد و مشارکت با کارکنان، خلاقیت و نوآوری آنها را افزایش دهند (نصیری و همکاران، ۱۳۹۴).

مسأله‌ای که همواره محققان با آن روبه‌رو بوده‌اند، یافتن راهکارهایی برای برقراری نظم و امنیت در جامعه بوده است. تحقیقی در این زمینه پیرامون تأثیر سرمایه‌ی اجتماعی با مؤلفه‌های اعتماد، انسجام، آگاهی، روابط و مشارکت اجتماعی بر احساس امنیت اجتماعی با ابعاد احساس امنیت جانی، مالی و سیاسی انجام شده است. یافته‌های تحقیق نشان داد که هرچه میزان سرمایه‌ی اجتماعی در جامعه بیش‌تر باشد، به‌همان میزان، نظم و امنیت اجتماعی بیش‌تر خواهد بود. شاخص‌های اعتماد، مشارکت و آگاهی اجتماعی بیش‌ترین همبستگی را با احساس امنیت اجتماعی نشان داده است (تاج‌بخش و همکاران، ۱۳۹۲).

تحقیقی با روش پیمایشی به سنجش تأثیر سرمایه‌ی اجتماعی بر آنومی اجتماعی در میان دانشجویان پرداخته است. براساس نتایج تحقیق، مؤلفه‌های سرمایه‌ی اجتماعی، شامل: اعتماد نهادی، مشارکت اجتماعی و انسجام اجتماعی بر آنومی اجتماعی تأثیری در حد متوسط به بالا داشته‌است (عباس‌زاده و همکاران، ۱۳۹۱).

غفاری (۱۳۸۷) در تحقیقی با عنوان "سرمایه‌ی اجتماعی و پیشگیری از جرم" به بحث از آنومی و جرم می‌پردازد؛ به نظر او سرمایه‌ی اجتماعی می‌تواند نسبت به سازمان‌ها در ذهن افراد نگرش مثبتی ایجاد کند؛ به‌ویژه به‌این دلیل که عملکرد سازمان‌های نظارتی و سایر نهادها در جایی که شبکه‌ها قوی است و سطوح همبستگی هنجاری بالاست، مؤثرتر است.

رفیع‌پور (۱۳۷۸) در تحقیقی با عنوان "آنومی یا آشفتگی اجتماعی؛ پژوهشی در زمینه‌ی پتانسیل آنومی در شهر تهران" به بررسی ناهنجاری‌های اجتماعی پرداخته است. نتایج نشان داد که عدم رعایت هنجارهای رسمی بسیار فراگیر است و میزان انجام هنجارهای غیررسمی بالاست. نمودار علی‌نهایی این تحقیق حاکی از آن است که عواملی چون: نابرابری اجتماعی و وضعیت اقتصادی نامناسب بر ناهنجاری‌ها تأثیر دارند.

اغلب این مطالعات در زمینه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی بر عوامل ساختاری متمرکز بوده، و رابطه‌ی آن با میزان جرم و ناهنجاری را مورد بررسی قرار داده‌اند. از این یافته‌ها نمی‌توان راهکار مؤثری در متن جامعه استخراج نمود که به فرایندهای دقیق منتهی به تولید سرمایه‌ی اجتماعی منتج گردد؛ لیکن، روش این مقاله، تجزیه و تحلیل تأثیر سطوح خرد و شناختی بر فرایند سرمایه‌ی اجتماعی است که با تقویت شناخت اسلامی حاصل می‌شود.

#### سیاست متعالیه

- سال پنجم
- شماره نوزدهم
- زمستان ۹۶

بازتاب سرمایه‌ی اجتماعی بر بهبود روابط دولت - ملت (۱۱۳ تا ۱۳۴)

## خدامحوری، خاستگاه تکوین سرمایه‌ی اجتماعی

اعتماد اجتماعی، حُسن‌ظن‌داشتن به دیگران دارای دو طرف اعتمادکننده و اعتمادشونده است که تسهیل‌کننده‌ی روابط اجتماعی می‌باشد. حاصل اعتماد - که ثمره‌ی عدالت‌گستری در جامعه است - رضایت‌مندی خواهد بود که به‌نوبه‌ی خود، مهم‌ترین عامل در رعایت قانون و هنجارهاست و به ایجاد نظم اجتماعی و برقراری امنیت می‌انجامد. وقتی اعتماد صدمه می‌بیند، جامعه به‌عنوان یک کل، آسیب می‌پذیرد و وقتی از میان می‌رود، اجتماع تزلزل پیدا می‌کند و فرو می‌ریزد. چراکه انسان، ارزش‌مندترین سرمایه‌ی اجتماع است و بی‌توجهی به این سرمایه‌ی الهی، پیکر اجتماع را نیز دچار آسیب می‌کند. آفریننده‌ی این سرمایه‌ی جاودان، ارزش انسان را به تقوا می‌داند؛ از این‌رو انسان‌ها با اطاعت از فرمان خدا و پیامبر مشمول رحمت الهی می‌شوند<sup>۱</sup>. رحمت قابل افزایش است و هرچه تقوا و اطاعت شخص بیشتر باشد، بهره‌مندی از رحمت رحیمه‌ی خداوند بیشتر می‌شود. هدایت‌گری قرآن به مؤمنین، متقین، مسلمین و اهل یقین نسبت داده شده است؛<sup>۲</sup> اما همه‌ی مردم دنیا مورد خطاب پیامبران و کتاب‌های آسمانی هستند، ولی در مقام پذیرش دعوت انبیاء، تنها باورکنندگان راه آن‌ها هدایت می‌یابند. وقتی به مرحله‌ای از هدایت دست یافتند و خود را تسلیم سخن حق کردند، باران رحمت الهی بر آن‌ها می‌بارد و بر مراتب هدایت آن‌ها افزوده می‌گردد (تفسیرالمیزان، ج: ۱، ۴۴). تنها کسانی از هدایت‌های قرآن استفاده می‌کنند که خود را سرسپرده‌ی قرآن کنند و در معرض تابش نور قرآن باشند؛ اما اگر با عناد و لجاجت برخورد کنند و در مقابل حق جبهه‌گیری نمایند، نه تنها قرآن هادی آن‌ها نخواهند بود؛ بلکه مایه‌ی خسران و زیان‌کاری آن‌ها نیز خواهد شد<sup>۳</sup>. نتیجه آن‌که براساس آیات قرآن، خدامحوری عامل دریافت هدایت، رحمت و برقراری عدالت است.

اگرچه اجزاء جامعه دارای تفاوت‌های کارکردی مختلف است، اما در یک جامعه‌ی سالم ضرورت دارد برآیند عملکردها به تداوم تمامیت کشور منجر شود. چنانچه سرمایه‌ی اجتماعی در هر بخشی از جامعه معنای متفاوتی دارد، ولی براساس استدلال عقلانی و براهین قرآنی، عنصر اولیه در کلیه‌ی بخش‌ها، خدامحوری است. در حوزه‌ی عدالت سیاسی، سرمایه‌ی اجتماعی به‌معنای سهم‌شدن نخبگان، اندیشمندان و عموم مردم

۱. وَ أَطِيعُوا اللَّهَ وَ الرَّسُولَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ (آل‌عمران: ۱۳۲).

۲. هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ (بقره: ۲).

۳. وَ نَزَّلْنَا مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَ رَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ وَ لَا يَزِيدُ الظَّالِمِينَ إِلَّا خَسَارًا (اسراء: ۸۲).

در لایه‌های مختلف تصمیم‌گیری جامعه و احساس مشارکت در قدرت سیاسی است. در حوزه‌ی عدالت اقتصادی به معنای بهره‌مندی عادلانه‌ی شهروندان از ثروت‌ها و امکانات مادی و کاهش شکاف طبقاتی با ضرورت استفاده‌ی حداقلی عموم شهروندان از رفاه اجتماعی و فراهم‌شدن فرصت‌های شغلی عادلانه می‌باشد. در حوزه‌ی عدالت اجتماعی، امکان مشارکت برای افراد جامعه با احساس امنیت؛ و در حوزه‌ی عدالت فرهنگی، تقویت اشتراکات فرهنگی و صمیمیت بین اقوام و مذاهب ایرانی و تحکیم علقه‌های وحدت و تمامیت‌خواهی فرهنگی، ترویج فرهنگ بیانی و مکتوب امر به معروف و نهی از منکر برای زمینه‌سازی عدالت و استقرار عدالت قضائی و ترویج امنیت است. اجرای این کارکردها در جامعه، سبب رضایت و اعتماد عمومی می‌شود و انگیزه، امید و تلاش را در ملت ایجاد می‌کند و در نتیجه به تقویت سرمایه‌ی اجتماعی می‌انجامد.

یکی از اسرار توفیق انبیا، نبود فاصله‌ی فرهنگی و طبقاتی بین آنان و مردم بوده است. امیرالمؤمنین (ع) می‌فرماید: «وجود ستم‌گری و فقر؛ و از سوی دیگر، عیش و خوشگذرانی، بخل‌ورزیدن، کفران نعمت، پندناپذیری و ایا نداشتن از تأدیه الهی، پایه‌ی انبوه‌شدن ثروت است و چنین دولت یا ملتی اقتدار کاذب و زودگذر دارند؛ زیرا در ایام شادکامی دروغین خویش، از زیر پا نهادن اصول ارزشی تحاشی نخواهند داشت. بنابراین، لزوم تهذیب نفس در فضای نظام سیاسی جامعه، مقوم اعتماد ملت به دولت است. ایشان در خطبه‌ی ۸۷ نهج‌البلاغه می‌فرماید: اولین برنامه‌ی سیاسی مردم با ایمان، هوس‌زدایی است؛ نقشه‌ی راه رسیدن به اقتدار و کرامت نیز تهذیب نفس است.<sup>۱</sup> ایشان در بیان علت ساده‌زیستی خویش می‌گویند: به‌راستی خدا بر پیشوایان عادل واجب کرده که به‌سان فقیران زندگی کنند، تا فقر تهی‌دستان بر آنان دشوار نیاید.<sup>۲</sup> آگاه باشید که پیشوای شما از دنیا به دو جامه‌ی کهنه و از غذاهای آن به دو قرص نان اکتفا کرده است.<sup>۳</sup> وقتی رعیت، حق والی را بپردازد و والی، حق مردم را پاس دارد، راه دین استوار خواهد گردید؛ نشانه‌های عدالت برافراشته خواهد شد و کارها به‌سامان و گام‌ها روبه‌راه خواهد بود. از این رو،

۱. اِضْرِبْ بَطْرُقَکَ حَيْثُ شِئْتَ مِنَ النَّاسِ فَهَلْ تُبْصِرُ اِلَّا فَقِيْرًا یُّکَابِدُ فَقْرًا اَوْ غَنِیًّا یُدْلِی نِعْمَةَ اللّٰهِ کُفْرًا اَوْ بَخِیْلًا اِتَّخَذَ الْبِخْلَ بَحْقَ اللّٰهِ وَفَرًّا اَوْ مُتَمَرِّدًا کَانَ بِاُذْنِهِ عَنِ سَمْعِ الْمَوَاعِظِ وَقُرْ (خطبه‌ی ۱۲۹).

۲. قَدْ اَزَمَ نَفْسَهُ الْعَدْلَ فَکَانَ اَوَّلُ عَدْلِهِ نَفْیَ الْهَوٰی عَنِ نَفْسِهِ.

۳. قَوْمٌ لَمْ تَزَلْ الْکِرَامَةُ تَتَمَادٰی بِهِمْ حَتّٰی حَلُّوْا دَارَ الْقَرَارِ (خطبه‌ی ۱۶۵).

۴. اِنَّ اللّٰهَ تَعَالٰی فَرَضَ عَلٰی اٰیْمَةِ الْعَدْلِ اَنْ یُّقَدِّرُوْا اَنْفُسَهُمْ بِضَعْفَةِ النَّاسِ کَيْلًا یَتَّبِعُ بِالْفَقِیْرِ فَقْرَهُ (خطبه‌ی ۲۰۹).

۵. اَلَا وَاِنَّ اِمَامَکُمْ قَدْ اَکْتَفٰی مِنْ دُنْیَاہُ بِطَمْرِیْہِ، وَمِنْ طَعْمِہُ بِقُرْصِہِ (نامه‌ی ۴۵).

زمانه خوب می‌شود و امیدِ تداوم دولت می‌رود و آزمندی دشمنان به یأس تبدیل می‌گردد.<sup>۱</sup> اگر شهروندان احساس کنند که در کشور عدالت برقرار است و مسئولین با فقر، فساد، تبعیض و اشرافیت مقابله می‌کنند و در برابر عموم مردم و حتی مخالفین خود، خارج از عدالت رفتار نمی‌کنند، آن‌ها نیز قادر خواهند بود فشارهای اقتصادی را تحمل کنند.

خلاصه‌ی سخن آن‌که، اعتمادسازی حاصل عدالت‌گستری کارگزارانی است که مصداق ایمان‌آوردگان واقعی در عمل هستند. عمل به دستورات خداوند سبب هم‌افزایی کلیه مؤلفه‌های شناختی تشکیل‌دهنده‌ی سرمایه‌ی اجتماعی و عامل ایجاد همدلی، زدودن تعصبات، دستیابی به اتحاد و مشارکت، اعتماد، عمل به هنجارها و برقراری نظم و امنیت و تأمین سعادت و تعالی جامعه در حدّ اکمل است. برخی از مصادیق این ارزش‌ها در قرآن عبارت‌اند از: توصیه به رعایت ارزش‌ها و اجرای هنجارها مانند: امانت‌داری (نسا: ۵۸)، ارتباط مطلوب با دیگران (نسا: ۸۶)، صداقت (توبه: ۱۱۹)، ایثار (حشر: ۹)، وفای به عهد (مائده: ۱)، حسن‌ظن و اعتماد به سایر مسلمانان (نور و حجرات: ۱۲)، کمک به محرومان و فقرا (بقره: ۱۹۵)، تواضع و فروتنی (اسرا: ۳۷؛ شعراء: ۲۱۵؛ حجر: ۷۸ مائده: ۵۴)، خوش‌خلقی (مؤمنون: ۹۶؛ فصلت: ۳۴؛ اسرا: ۵۳)، بخشش و گذشت (بقره: ۱۷۸ و ۲۳۷؛ نحل: ۱۲۶؛ نور: ۲۲؛ تغابن: ۱۴؛ شوری: ۴۰)، مشورت و مشارکت با دیگران (شوری: ۳۸؛ نور: ۲۲؛ آل‌عمران: ۱۵۹)، احترام به والدین (لقمان: ۱۳ و ۱۴؛ اسراء: ۲۳ و ۲۴؛ مریم: ۱۴ و ۳۲؛ عنکبوت: ۷۸؛ بقره: ۸۳)، اهمیت ارتباط با خویشان (نسا: ۳۶؛ بقره: ۸۳؛ اسراء: ۲۶؛ محمد: ۲۲) و...؛ تأکید بر احترام به حقوق مؤمنین مانند: نهی از اختلاف و توصیه به اتحاد (انعام: ۱۵۳ و ۱۵۹؛ آل‌عمران: ۱۰۳ و ۱۰۴ و ۱۰۵؛ انفال: ۴۶؛ حجرات: ۱۰؛ مائده: ۲)، پرهیز از ظلم (مائده: ۸۷) و...؛ توصیه به کمک‌های مالی مانند: قرض‌الحسنه (بقره: ۲۴۵)، پرداخت انفاق (بقره: ۲۶۷ و ۱۹۵ و ۲۵۴)، زکات (مجادله: ۱۳). اجرای این دستورات موجب عمق‌بخشی به افکار، ایجاد بصیرت، افزایش اتحاد و مشارکت و تولید سرمایه‌ی اجتماعی فزاینده در جامعه می‌شود و با تجهیز لایه‌های شناختی آحاد جامعه در جهت پرورش نگرش توحیدی و اجرای آن، سرمایه‌های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی کشور رشد و تعالی می‌یابد.

### عنصر اعتماد، زمینه‌ساز هنجارپذیری در جامعه

"اعتمادسازی" دارای این ظرفیت است که فرآیندهای شبکه اجتماعی و اقتصادی را تسهیل کند؛ زیرا اعتماد، ساختار مهمی در مدل کنش متقابل است. برای ایجاد ارتباط



اجتماعی، شخص باید بتواند فضایی آکنده از اعتماد ایجاد کند که در نتیجه، ترس‌های خود و دیگری از طردشدن را کاهش داده، امید به پذیرش، حمایت و تأیید را ارتقاء بخشد (بت، ۲۰۰۸: ۴۸۸). نهادهای جامعه، نقش اصلی را در ایجاد اعتماد اجتماعی برعهده دارند (ریبال و وسیز، ۲۰۰۷: ۴-۲). مفهوم انسجام اجتماعی را می‌توان پیوندهای نظم‌یافته میان کنشگران یا جمع‌ها تعریف کرد. انسجام به مفهوم بهره‌مندی از احساس پذیرش از سوی دیگران و راحتی در محیط همسایگی، اجتماع محلی و گروه‌های مشارکتی است (اسماعیلی، ۱۳۸۵: ۲۳۴). سرمایه‌ی اجتماعی از تغییرات در روابط میان اشخاص حاصل می‌شود و کنش را تسهیل می‌کند. سرمایه‌ی اجتماعی پایه و اساس کنترل اجتماعی است و شامل اشتراکات اجتماعی نیرومندی است که برای تقویت نظم، به‌وجود آمده و این همان چیزی است که باعث احترام به قانون و هنجارها می‌شود و در نتیجه، سطح انسجام اجتماعی افزایش می‌یابد. سطح پایین انسجام اجتماعی، اغلب با متغیرهای ساختاری مرتبط می‌تواند پیامدهای آسیب‌زای جامعه را افزایش دهد (بون و دیگران، ۲۰۰۲: ۴۹۰-۴۶۸). تئوری بی‌سازمانی اجتماعی، چارچوبی فراهم می‌کند که پیوند اجتماعی را که مبنای کنترل جامعه است به هم بریزد؛ زیرا سطوح دسترس‌پذیری سرمایه‌ی اجتماعی و تأثیرپذیری جمعی را کاهش می‌دهد (دینا و کلیر، ۲۰۰۲: ۲۰۰-۱۸۳).

### نظم و انسجام اجتماعی ثمره اعتماد و رضایت‌مندی

یکی دیگر از مؤلفه‌های سرمایه‌ی اجتماعی، انسجام اجتماعی است. از دیدگاه دورکیم، انسجام اجتماعی تنها به‌وسیله‌ی مواجهه با چیزی که وی نابهنجار می‌نامید، قابل تعریف است (ترنر، ۱۳۸۴: ۴۴۶). وی معتقد بود دوره‌ی جنگ و سختی سبب انسجام اجتماعی می‌شود، ولی در دوران صلح، جدایی و واگرایی رخ می‌دهد؛ زیرا در دوره‌ی صلح، فردگرایی شهروندان و بی‌توجهی آنان به سرنوشت دیگران افزایش می‌یابد. انسجام اجتماعی در یک حوزه‌ی تعاملی معین، شکل و معنی پیدا می‌کند. دورکیم، احساسی را که در میدان تعاملی به‌وجود می‌آید، "عاطفه جمعی" می‌نامد. از نظر دورکیم، عاطفه‌ی جمعی عمیق غالباً طی مناسک جمعی مانند: مراسم ملی و مذهبی به‌وجود می‌آید و موجب افزایش و تحکیم انسجام اجتماعی می‌شود (ازکیا و غفاری، ۱۳۸۰: ۳۱-۳). جوّ دارای اعتماد، پیلای حفاظتی ایجاد می‌کند که در حقیقت، نوعی پوشش اطمینان‌بخش است و به حفظ و تداوم محیط پیرامونی ما کمک می‌کند (گیدنز، ۱۳۸۳: ۱۸۱). اعتماد و انسجام شهروندان با

سازمان‌های اجتماعی مرتبط از عناصر سرمایه‌ی اجتماعی می‌باشد. نظم و انسجام، که حاصل اعتماد و رضایت است، موجب افزایش پیوندهای اعضای جامعه شده و می‌تواند به‌عنوان مبنایی برای کنترل اجتماعی باشد. هم‌چنین انسجام در فعالیت‌ها منجر به نظارت دیگر اعضای جامعه می‌شود که خود یک نوع مشارکت محسوب می‌شود. بنابراین، سطوح بالای مشارکت اجتماعی باعث تقویت سازمان اجتماعی و ارتقاء سرمایه‌ی اجتماعی می‌شود (مسر و روزنفلد، ۲۰۰۱: ۳۰۰-۲۸۳). مشارکت، احساس سازگاری مردم و در نهایت افزایش پذیرش و توانایی آنان برای پاسخ‌گویی به برنامه‌های توسعه از طریق درگیر کردن آنان با تصمیم‌گیری، اجرا و ارزش‌یابی برنامه‌ها بر اساس تلاش‌های سازمان‌یافته است (محسنی، ۱۳۸۲: ۱۳-۱۲). حجم سرمایه‌ی اجتماعی مورد تملک یک فرد به حجم سرمایه‌ی فرهنگی و شناختی بستگی دارد که افراد در تعامل با او در تصرف دارند.

### امنیت، دستاورد نظم و انسجام اجتماعی

امنیت، زیرساخت پیشرفت‌های ملت در کلیه‌ی زمینه‌هاست. معنای "اُمن"، آرامش خاطر و رفع نگرانی است. امنیت اجتماعی، یکی از بزرگ‌ترین نعمت‌هاست که با نعمت تندرستی و سلامت برابری می‌کند. دو نعمت هستند که ناسپاسی می‌شوند: امنیت و سلامت (بخارااتوار، ج ۸۱: ۱۷۰). امام علی(ع) می‌فرماید: بدترین وطن، جایی است که ساکنانش در آن در امان نباشند (غررالکلم و دررالکلم، ح ۵۷۱۲). اعتماد متقابل، انسجام، نظم و ثبات ناشی از پیوندهای وسیع می‌تواند کنترل اجتماعی و امنیت را تضمین کند؛ بنابراین، مکانیسم تبدیل پیوستگی و تعلق به جامعه و اعتماد اجتماعی، ساختار پیوندهای اجتماعی است (برونینگ و دیگران، ۲۰۰۰: ۷-۶). امنیت به‌معنای به‌حداقل رسانیدن خطر یا تهدید است. این تهدیدها، نه‌فقط از نوع سنتی و نظامی هستند، بلکه تهدیدهای جدید غیرنظامی برای از بین بردن رفاه ملی را نیز شامل می‌شوند (لطفیان، ۱۳۷۶: ۷۶). استفاده‌ی یک کشور از قدرت نرم برای دستکاری افکار عمومی کشور، آماج و تغییر ترجیحات، نگرش‌ها و رفتارهای سیاسی آنان را جنگ نرم می‌خوانند (نای، ۲۰۰۴: ۳). هدف تهدیدهای جدید غیرنظامی، زوال اندیشه و مغز جامعه است تا بتوانند حلقه‌های فکری، فرهنگی و قلب جامعه را سست کنند؛ زیرا لایه‌های شناختی، سرمایه‌ی اصلی جامعه محسوب می‌شوند. از این‌رو آسیب‌زدن به مراکز ثقل و مرجع امنیت نرم - یعنی اعتماد و انسجام جامعه هدف اصلی هستند. هدف غایی عاملان تهدید نرم، کاهش میزان رضایت مردم از زندگی و متعاقب آن نارضایتی از نظام سیاسی است. تهدیدهای غیرنظامی در مراحل تکوین به‌دلیل ماهیت ذهنی و انتزاعی‌شان چندان جلب توجه نمی‌کنند، لذا این تهدیدها به‌صورت پنهان

پیشروی کرده و در جایگاه‌های نرم و شناختی جامعه از قبیل هویت، فرهنگ، مشروعیت، مشارکت اجتماعی، کارآمدی و... به اندازه‌ای پیشرفت می‌کنند که در هنگام نمودارشدن تهدید، به دلیل این که زیرساخت‌های نرم‌افزار مدیریت امنیت ملی را به چالش کشیده‌اند، امکان مدیریت تهدید در حد قابل توجهی کاهش می‌یابد.

## ابعاد سرمایه‌ی اجتماعی

سرمایه‌ی اجتماعی در یک معنای عام، نوعی سرمایه‌گذاری در روابط اجتماعی است که با بازده مورد انتظار تعریف می‌شود (توسلی و موسوی، ۱۳۸۲: ۶). پوتنام، سرمایه‌ی اجتماعی رسمی را در مقابل غیررسمی، سرمایه‌ی اجتماعی متراکم در مقابل سرمایه‌ی اجتماعی پراکنده و ضعیف، سرمایه‌ی اجتماعی درون‌نگر را در مقابل برون‌نگر (برحسب اختصاص منافع به افراد غیرعضو یا عموم مردم) و نهایتاً سرمایه‌ی اجتماعی محدود (بین افراد شبیه از نظر قومیت، سن و ...) را در مقابل اتصالی (بین افراد غیرمشابه) مطرح می‌سازد (همان: ۱۷). ناهاپیت و گاشل<sup>۱</sup> نقش سرمایه‌ی اجتماعی را در ایجاد سرمایه معنوی، به سه بُعد تقسیم می‌کنند: ساختاری، ارتباطی و شناختی.

۱. بُعد ساختاری دارای سه زیرشاخه است:

الف. پیوندهای موجود در شبکه، شامل وسعت و شدت ارتباطات موجود در شبکه؛  
ب. شکل و ترکیب شبکه، شامل سلسله‌مراتب شبکه، میزان ارتباط‌پذیری و تراکم شبکه؛

ج. تناسب سازمانی، مانند این که تاچه‌اندازه شبکه‌ی ایجادشده برای هدفی خاص ممکن است برای اهداف دیگر نیز استفاده شود.

۲. بُعد شناختی: محور این بعد، شناخت و فعالیت‌های ذهنی، عقلی و اندیشه‌ای است؛ از زبان و بینش مشترک و آموزه‌ها و ارزش‌ها بهره می‌برد و در نتیجه، امکان فعالیت بهینه در نظام اجتماعی را برای اعضای همان شبکه فراهم می‌کند.

۳. بُعد ارتباطی: این بعد دارای مؤلفه‌هایی هم‌چون اعتماد، هنجارها، تعهدات، روابط متقابل و تعیین هویت مشترک است (ناهاپیت و گاشل، ۱۹۹۸: ۲۶۶-۲۴۲).

سرمایه از دیدگاه بوردیو<sup>۲</sup> به سه نوع متمایز قابل تقسیم است: اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی؛ که سرمایه‌ی اجتماعی، مجموعه‌ی منابع حقیقی یا بالقوه‌ی مرتبط با مالکیت

1. Nahapiet and Ghoshal.

2. Bourdieu.

شبکه‌ی پایداری از روابط کم‌ویش نهادینه‌شده بر اساس آشنایی و پذیرش متقابل است (بوردیو، ۱۹۸۶: ۲۴۱-۲۵۸). پوتنام<sup>۱</sup> معتقد است که سرمایه‌ی اجتماعی می‌تواند موجب تقویت همکاری، و به‌طور هم‌زمان، گسترش روابط حمایتی دوجانبه در اجتماعات و ملت‌ها گردد و بنابراین قادر است ابزاری ارزشمند برای مبارزه با بسیاری از نارسایی‌های اجتماعی در جوامع مدرن، هم‌چون جرایم - که جزء جدایی‌ناپذیر آن‌ها هستند - باشد (پوتنام، ۱۹۹۳). برخی محققان، سرمایه‌ی اجتماعی را ابزاری برای دست‌یابی به اطلاعات، تخصص و قدرت بیش‌تر می‌دانند (اوزی و دانلپ<sup>۲</sup>، ۲۰۰۵: ۵۳-۶۰). بر اساس الگوی تحقیق مهم‌ترین بعد سرمایه‌ی اجتماعی، بعد شناختی می‌باشد که بر ابعاد دیگر مؤثر است.

### نقش نهادها در افزایش سرمایه‌ی اجتماعی

خانواده، آموزش، رسانه‌ها و مذهب به‌عنوان نهادهای بنیادین در آموزش مستمر، نقش زیربنایی در تولید سرمایه‌ی اجتماعی دارند؛ اما نهادهای اقتصادی و حکومتی، به‌عنوان نهادهای ثانویه مورد توجه قرار می‌گیرند؛ زیرا کارگزاران حکومت و مسئولین دولتی و کلیه‌ی افراد جامعه در بستر این نهادهای بنیادین پرورش می‌یابند و وارد نظام سیاسی و قوای سه‌گانه کشور می‌شوند.

نهاد خانواده به کودک: ارتباط عاطفی، نحوه‌ی اجتماعی‌شدن، مشارکت و کنش متقابل با اعضای خانواده را می‌آموزد. هم‌چنین، معاشرت با خویشان و دوستان به‌عنوان اعضای شبکه‌های اجتماعی و مراقبت و حمایت از فرزندان و سالمندان و تأمین معاش و امنیت اقتصادی برای اعضای خانواده، در تولید و آموزش سرمایه‌ی اجتماعی نقش دارند. خانواده به‌عنوان کوچک‌ترین گروه از مؤلفه‌های ساختاری سرمایه‌ی اجتماعی است که استحکام، انسجام و ارتباط بیش‌تری نسبت به گروه‌های دیگر دارد و محتاج حمایت بیش‌تری است.

نهاد آموزش دارای دو بخش رسمی (شامل: مدارس و دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزشی و پژوهشی) و بخش غیررسمی (مشمول بر یادگیری در اجتماعات، رسانه‌ها و ...) است. آموزش در معنای وسیع کلمه با جامعه‌پذیری هم‌معناست و دربردارنده‌ی مفهوم انتقال فرهنگ است. نهادهای آموزشی - تربیتی علاوه بر آموزش دانش‌ها و مهارت‌ها، چگونگی

1. Putnam.

2. Uzzi and Dunlap.

ایفای نقش‌های اجتماعی، سلسله‌مراتب، تقسیم وظایف و مسئولیت‌پذیری، تعقل، خلاقیت، هم‌نوایی با اقوام و اقلیت‌ها و ارزش‌ها را آموزش می‌دهند و با پرورش انسان‌های متعهد و متخصص، جامعه را در تولید و افزایش سرمایه‌ی اجتماعی یاری می‌رسانند.

نهاد رسانه‌ها می‌تواند در: نقد عملکرد شهروندان و دولت‌مردان، اصلاح و بازتولید اندیشه‌ها و باورهای آگاهی‌بخش به کلیه‌ی آحاد جامعه نقش نظارت اجتماعی را عهده‌دار شود.

نهاد حکومت می‌تواند به‌عنوان مجری و ناظر رسمی، با: وضع و اجرای مقررات، برقراری عدالت، تأمین نظم، دفاع از جامعه و رعایت حقوق اعضای جامعه در تولید و گسترش سرمایه‌ی اجتماعی نقش اصلی را ایفا نماید.

نهاد اقتصاد با تولید کالاها و خدمات، توزیع منابع اقتصادی و ارتقای سطح معیشتی، تأمین‌کننده‌ی پیشرفت و ترقی اعضای جامعه است.

نهاد مذهب؛ با ترویج آموزه‌های دینی، ایمان و امید در افراد اجتماع ایجاد می‌نماید و با ترغیب آن‌ها، نوعی اعتماد، مشارکت اجتماعی، تعهد و هم‌سویی را به‌وجود می‌آورد. درونی‌شدن ارزش‌ها، خودسازی، معنا یافتن زندگی، همبستگی اجتماعی و نظارت فردی از کارکردهای نهاد مذهب است. دین، میثاق عقیدتی هر نظام ایدئولوژیک است. در جوامعی که بر اساس جهان‌بینی و بینش توحیدی پدید می‌آیند، دین، رشته‌ی پیوند دولت - ملت است و رابطه‌ی محبت، الفت، اعتماد، همکاری و حمایت طرفینی ایجاد می‌کند. نهاد مذهب از آن‌جهت اهمیت دارد که ایمان، یگانه نیرویی است که بشر را به‌سوی رشد و تکامل در تمامی عرصه‌ها و زمینه‌ها سوق می‌دهد. گفتنی است از طریق امر به معروف و نهی از منکر، همه‌ی فرائض و واجبات برپا می‌شود (کلینی، ۱۳۶۹، ج ۵: ۵۶) و مؤمنان در هر نقطه‌ای از عالم موظف‌اند جامعه را به‌سوی نیکی و معروف حرکت دهند و از بدی‌ها و پستی‌ها دور بدارند. اولین آمر به معروف، پروردگار است<sup>۱</sup> و پیامبر(ص) از برترین آمران به معروف و ناهیان از منکر است<sup>۲</sup>. این شاخص‌ها پایه‌ی ساخت و مهندسی نظام اسلامی است و اگر هر یک از این نهادها نتوانند نقش خود را به‌خوبی ایفا نمایند، ایجاد سرمایه‌ی اجتماعی در آن جامعه با مشکل مواجه خواهد شد.

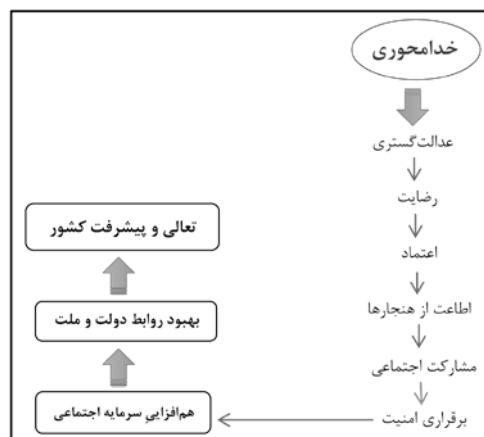
۱. إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ (نحل: ۹۰).

۲. يَأْمُرُهُم بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ (اعراف: ۱۵۷).

## الگوی مفهومی تحقیق

نقطه‌ی آغازین فرایند تکوین سرمایه‌ی اجتماعی، خدامحوری است و با عدالت‌گستری و اعتماد که از مؤلفه‌های حیاتی سرمایه‌ی اجتماعی است، شکل می‌گیرد و به بهبود روابط دولت-ملت و پیشرفت کشور منتهی می‌شود. همان‌گونه که در نمودار شماره ۱ ترسیم شده است، مؤلفه‌های این فرایند با خدامحوری آغاز و پس از برقراری عدالت، رضایت، اعتماد، اطاعت از هنجارها، مشارکت اجتماعی و برقراری امنیت، هم‌افزایی سرمایه‌ی اجتماعی حاصل می‌شود که ثمره‌ی آن، بهبود روابط شهروندان با حاکمیت می‌باشد و نهایتاً به رشد و تعالی جامعه منتهی می‌گردد.

نمودار ۱: الگوی چهارچوب مفهومی تحقیق



"اعتماد" - که ثمره‌ی عدالت است - در شرایط سرمایه‌ی اجتماعی بالا، بر روابط میان افراد جریان می‌یابد؛ زیرا شهروندان با اطمینان از این که عمل متقابل تحقق خواهد یافت و هنجارها رعایت خواهند شد، نسبت به برقراری نظم هنجاری، تعهدی قوی خواهند داشت؛ اما در مقابل، عدم اعتماد موجب از میان رفتن ایمان نسبت به نیروی نظارتی خواهد شد. در این رهیافت، انسان‌شناسی صحیح و برخاسته از تفکر توحیدی، عقل و تفکر الهی و التزام به توصیه‌های هنجاری را برای کارگزاران و ملت به ارمغان می‌آورد و بین لایه‌های شناختی، رفتار و عزم انسان‌ها پیوند برقرار می‌شود؛ از این رو مردم‌سالاری دینی در بخش‌های اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی شکل می‌گیرد که حاصل آن پیشرفت جامعه است.

## تحلیل یافته‌ها

تجزیه و تحلیل الگوی تحقیق ما را به این دریافت رهنمون می‌سازد که پدید آمدن عرصه‌های فاقد هنجارهای روشن و التزام‌نداشتن به قواعد اخلاقی و اجتماعی در لایه‌های مختلف جامعه - از رأس تا قاعده‌ی هرم - به بروز ناامنی منجر می‌شود. برخی نظریات، تشکیل اجتماعات و احزاب و یا مردم‌گرایی را به‌عنوان عنصر اساسی در توسعه تلقی می‌کنند؛ اما اگر در تبیین مسیر رسیدن به پیشرفت، به جایگاه و تأثیر متغیر بنیادی خدامحوری، عدالت‌گستری و تأثیرات آن در افزایش سرمایه‌ی اجتماعی توجه نشود، از آن‌جمله که چنین تحلیلی به بررسی زیربنایی موضوع در زمینه‌ی شناختی نمی‌پردازد، احتمال تحریف علمی و لغزش وجود خواهد داشت. چنان‌چه "پونتام" معتقد است با تراکم شبکه‌های ارتباطی و افزایش ابعاد سازمان اجتماعی، کارایی جامعه بهبود می‌یابد و سرمایه‌ی اجتماعی تقویت می‌شود. کلمن (۱۳۸۴) از صاحب‌نظران و مدافعان جدی این رویکرد محسوب می‌شود؛ به‌نظر وی، حوزه‌ی درون‌گروهی یا بین‌گروهی فرصتی است که از طریق آن ساختار اجتماعی تشکیل می‌شود و کنش‌های افراد درون ساختار اجتماعی تسهیل می‌گردد. در ارزیابی و نقد این ادعاها باید اذعان نمود برخی گروه‌های اجتماعی می‌توانند از طریق ارتباطات غیرشفاف به سوءاستفاده از روابط درون‌شبکه‌ای در راستای منافع گروهی بپردازند که ناشی از عدم حاکمیت اصول شناختی و اخلاق است. بون (۲۰۰۲) و همکارانش براین‌باورند که سطح پایین انسجام اجتماعی مرتبط با متغیرهای ساختاری آن می‌تواند پیامدهای آسیب‌زای جامعه را افزایش دهد و افزایش امکانات ساختاری سبب تسهیل مشارکت می‌شود. تحلیل این دیدگاه نشان می‌دهد به‌عنوان عامل شناختی که سبب عمق‌بخشی به بصیرت شهروندان و جلوگیری از آسیب جامعه می‌شود، توجه نشده است و تأکیدی یک‌جانبه بر وجوه ساختاری دارد. مسنر و روزنفلد (۲۰۰۱) معتقدند با اضافه کردن سطوح مشارکت اجتماعی، سازمان اجتماعی تقویت و سرمایه‌ی اجتماعی ارتقاء می‌یابد. تجزیه و تحلیل این نظریات نشان می‌دهد که محور اصلی در سرمایه‌ی اجتماعی را، برپایه‌ی حجم و شمار ساختارهای افقی قرار داده‌اند و ابعاد شناختی که ستون‌های عمودی و اصلی سرمایه‌ی اجتماعی محسوب می‌شود، به‌حاشیه رانده شده است؛ درحالی‌که واکاوی این مدعا نشان می‌دهد، هرگونه مداخله در ایجاد و عملکرد نهادهای مشارکتی به‌خداشه‌دارشدن اهداف خودجوش آن‌ها منجر شده و زمینه‌سازی برای تجربه‌ی شهروندی محقق نخواهد شد. در ارزیابی و تحلیل این دیدگاه‌ها باید اضافه کرد که شکل‌گیری مشارکت‌ها از بالا، که برخاسته از بطن جامعه نباشد، تا اندازه‌ای نتیجه‌ی محیط

سیاست متعالیه

- سال پنجم
  - شماره نوزدهم
  - زمستان ۹۶
- بازتاب سرمایه‌ی  
اجتماعی بر بهبود  
روابط دولت - ملت  
(۱۱۳ تا ۱۳۴)

نهادی، برنامه‌ریزی سیاسی و عملکرد حاکمیت است؛ در نتیجه مستقیماً تابع سیاست‌های رفاهی و توسعه‌ای اتخاذ شده توسط دولت‌ها و سرمایه‌گذاری در بخش عمومی قرار می‌گیرد. در صورتی که با فعال شدن لایه‌های شناختی جامعه، اگر وضعیت رفاهی و شرایط زندگی شهروندان به‌دلیلی غیر از فساد دستگاه حکومت تنزل نماید، به کاهش اطمینان شهروندان به توانایی دولت در تضمین توافقات با جامعه‌ی مدنی منجر نخواهد شد و حتی در شرایط بحرانی مانند جنگ، توسعه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی رخ می‌دهد. همان‌گونه که نتایج پژوهش پاپووا (۲۰۱۲) در بررسی جنگ بوسنی و هرزگوین نشان داد، سرمایه‌ی اجتماعی برخاسته از شناخت و بصیرت جامعه این ظرفیت را دارد که حتی در صورت فقدان حکومت، با عملکرد شبکه‌ای اجتماعی، به بازسازی سیاسی، اقتصادی و توسعه‌ی کشور پردازد. با تبیین مبانی نظری مبتنی بر الگوی تحقیق می‌توان ادعا کرد که لایه‌های شناختی سرمایه‌ی اجتماعی، منبع کنش جمعی و کیفیت روابط حاکم در جامعه محسوب می‌شوند و دولت‌ها می‌توانند از کاربست سرمایه‌ی اجتماعی، بنیانی تسهیل‌کننده برای پیشبرد راهبردهای نظام سیاسی در تعاملات اجتماعی ترسیم نمایند.

### نتیجه‌گیری و پیشنهادات

سرمایه‌ی اجتماعی، پتانسیل نهفته در روابط میان افراد و گروه‌های یک جامعه است که باعث تسهیل امور جامعه و افراد می‌شود. بررسی و تحلیل الگوی کنش متقابل در این فرایند نشان می‌دهد که شبکه‌های آسیب‌دیده با اعتماد و مشارکت پایین و انسجام اندک و بدون الگوهای نقش، رفتار خود را هدایت می‌کنند؛ اما در چنین شرایطی، احتمال عمل کردن براساس انگیزه‌های زودگذر و خودتخریب‌کننده افزایش می‌یابد. براساس این منطق می‌توان چنین تحلیل نمود که تربیت خدامحور، عنصر زیرساختی سرمایه‌ی اجتماعی قلمداد می‌شود. آموزه‌های این زیرساختار با ارائه‌ی راهنمایان رفتاری و الگوهای نقش، اعمال معیارهای رفتاری مثبت را ممکن می‌کنند. البته نظارت تمامی نهادهای کشور با هماهنگی و مسئولیت‌پذیری افراد متعهد و بصیر بر مجاری ارتباطات اجتماعی از مقدمات شکل‌گیری فزاینده‌ی الگوها و کنش‌های رفتاری مناسب در جامعه است. می‌توان چنین تفسیر کرد که تکوین خودجوش سلسله مراتب مؤلفه‌های سرمایه‌ی اجتماعی، یعنی بسط عدالت، رضامندی، اعتماد، رعایت هنجارها و مشارکت، دارای قدرت هم‌افزایی است. فقدان این ویژگی‌ها یعنی ظلم، نارضایتی، بی‌اعتمادی، بی‌نظمی و نابسامانی، فریب، انزوا و بهره‌کشی، در حفظ لایه‌های باطل توسعه‌نیافتگی، یک‌دیگر را تشدید می‌کنند. بنابراین، سرمایه‌ی اجتماعی و مؤلفه‌های آن، با نقش فزاینده‌ی انسجام



اجتماعی و تقویت نظارت جمعی می‌توانند کنش‌های جامعه را سازمان‌دهی و بسیج کنند تا افراد، رفتارهای نابه‌هنگار را کاهش دهند. بنابراین، نیروی بالقوه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی در حل مسأله‌ی تضادهای فردی و اجتماعی و بهبود روابط دولت - ملت مؤثر است. تحلیل ابعاد سرمایه‌ی اجتماعی با هدف بهبود روابط دولت - ملت در جهت بسط الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، در بخش وظایف دولت اسلامی در ایجاد عدالت، این ظرفیت را دارد که در گستره‌ی شناختی با ایجاد مؤلفه‌های اعتماد، رعایت هنجارها و تعهدات اخلاقی، روابط متقابل و هویت مشترک را شکل دهد.

بُعد شناختی، مشتمل بر کاربرد آموزه‌ها و ارزش‌های اسلامی به‌عنوان محرک اصلی در جهت ایجاد بصیرت و عمق‌بخشی به حرکت می‌باشد. جامعه‌ای که اساس آن بر مبنای عدالت بنیان گذاشته شود، به استحکام، بقا و پیشرفت دست می‌یابد. از این رو به نظر می‌رسد اگر سیاست‌های کلان برنامه‌ی پیشرفت با پرورش شناخت توحیدی در سطح فردی و بسط و اعمال عدالت‌گستری در سطح اجتماعی همراه شود، می‌تواند روشی کارساز باشد. پیش شرط دستیابی به چنین هدفی آن است که کارگزاران و شهروندان، کنش‌های رفتاری عادلانه در پیش گیرند؛ زیرا مطالبه‌ی عدالت، لازمه‌ی حرکت در مسیر رشد و توسعه‌ی تمدن اسلامی است. گسترش عدالت، به بالارفتن سطح اعتماد و در نتیجه به هم‌افزایی سرمایه‌ی اجتماعی می‌انجامد. در مجموع، بر این نکته تأکید می‌شود که خدامحوری کارگزاران، محرک ایفای حقوق دیگران و برقراری عدالت است؛ در نتیجه، رضایت و اعتماد میان کارگزاران حکومت و مردم ایجاد می‌شود. در چنین شرایطی است که سرمایه‌ی اجتماعی متشکل از عمل به قانون، مشارکت و انسجام اجتماعی و برقراری نظم و امنیت تقویت می‌گردد. در واقع، سرمایه‌ی اجتماعی می‌تواند به‌عنوان منبعی ارزشمند همچون سایر اشکال سرمایه محسوب شود؛ لذا ذخیره‌ی محدود سرمایه‌ی اجتماعی می‌تواند به‌عنوان شکلی از محرومیت در کنار فقر، نبود شغل و آموزش مطرح گردد. اگر ذخیره‌ی موجود سرمایه‌ی اجتماعی برای رسیدن به اهداف موردنظر کافی نباشد، در این صورت، کاهش مشارکت شهروندان با حاکمیت و متعاقب آن تعارض، هنجارشکنی و ناامنی روی می‌دهد؛ زیرا کاهش سرمایه‌ی اجتماعی با کج‌روی مرتبط است و سازوکار افزایش این سرمایه، تربیت توحیدی آحاد جامعه و تجمیع نیروی بالقوه آنان به‌عنوان تعیین و تنظیم‌کننده‌ی هنجارها است و اعتماد، مشارکت اجتماعی و امنیت از عناصر و منابع مورد نیاز برای دستیابی به پیشرفت محسوب می‌شوند و اعتمادسازی از سوی زمامداران و مسئولان دولتی با برقراری عدالت آغاز می‌شود؛ سپس تبادل دیدگاه و اطلاعات از سوی مسئولان و مدیران با مردم، سبب آگاهی آن‌ها از نیازهای کلیه اقشار

جامعه برای عمل به وظایف و کسب رضایت شهروندان می‌شود؛ زیرا، صداقت و شفافیت، زیربنای اعتماد است که از بخش‌های عالی مدیران آغاز می‌شود و تا رده‌های پایین سازمانی و قاعده هرم جامعه ادامه می‌یابد. نظام سیاسی و دولت‌ها، بدون سرمایه‌ی اجتماعی و اعتماد عمومی قادر به پیشبرد اهداف کشور و نیل به پیشرفت نخواهند بود. دولت‌ها در نظام اسلامی، کارگزار ملت هستند و این تکلیف ایجاب می‌نماید که هدف بخش‌های دولتی و مسئولین در همه‌ی دولت‌ها، حل مشکلات مردم، تأمین رفاه، آرامش، امنیت و هموارساختن مسیر پیشرفت کشور از روش‌های مطلوب باشد. طبیعی است که هر دولتی برای رسیدن به اعتلا و پیشرفت، سلايق گوناگونی داشته باشد. از این رو لازم است در جهت پیشرفت و اعتلای کشور، انتقادات و تذکرات به‌عنوان حق ضروری و مورد نیاز حاکمیت با روشی منطقی و با قالب و موقعیت مناسب ارائه شود و تعاملات سازنده و رأفت‌آمیز، جایگزین شیوه‌های رفتاری خشم‌آلود گردد.

به نظر می‌رسد مسئولین به تاسی از امام صادق (ع) که می‌فرماید: دوست‌داشتنی‌ترین برادران برای من کسی است که عیوب مرا به من اهدا کند (کلینی، ۱۳۶۹، ج ۲: ۶۳۹) پذیرای انتقادات باشند. از سوی دیگر، منتقدین به‌جای برخورد با شخصیت مسئولین، به مسأله‌ی بررسی عملکرد آن‌ها متمرکز شوند تا زمینه‌ی تلاش برای مسئولین؛ و متعاقب آن، رشد و توسعه‌ی کشور فراهم شود. هدف متعالی استمراربخشیدن به موجودیت جامعه و دولت‌ها در بستر ثابت نظام اسلامی، از طریق به‌جریان‌انداختن تعامل توأم با رأفت در این بستر و تأکید بر هویت مشترک اسلامی و تاریخی میسر می‌شود.

بحث‌نهایی به این نتیجه منتهی شد که علت اصلی ناکارآمدی سرمایه‌ی اجتماعی، اولویت‌ندادن به عوامل شناختی و نگرش‌ها است و تنزل این مؤلفه‌ی محوری، سبب گرایش به انحراف، کاهش نظم و امنیت می‌شود. از این رو بی‌عدالتی و - در نتیجه - بی‌اعتمادی، مهم‌ترین آفت هرگونه توسعه‌ی سیاسی، فرهنگی و اقتصادی است. بررسی و تحلیل فرایند شکل‌گیری سرمایه‌ی اجتماعی نشان داد که لایه‌های شناختی، ارزش‌ها و هنجارها که در سطح خرد قرار دارند، عامل حیاتی در افزایش سرمایه‌ی اجتماعی محسوب می‌شوند. پژوهش حاضر منتهی به ارائه‌ی الگوی نوینی در بهبود روابط دولت-ملت شد که با کاربری آموزه‌های اسلامی به‌عنوان نیروی محرکه در افزایش سرمایه‌ی اجتماعی، مسیر رسیدن به پیشرفت اسلامی ایرانی را در ارتباط کارگزاران و شهروندان و دیگر بخش‌های جامعه هموار می‌سازد. روند تحقیق به راهکارهای سیاستی جدیدی، با زیرساخت‌سازی شناختی برای رفع مشکلات و شکاف‌های موجود در روابط دولت-ملت و هموارساختن مسیر پیشرفت کشور منتهی شد:

## راهکارهای سیاستی در جهت تعمیق و تکمیل الگوی پایه‌ی پیشرفت

سرمایه‌گذاری در تربیت انسان دین‌مدار، به‌عنوان هدفی فی‌نفسه، صرف‌نظر از آثار آن بر افزایش سرمایه‌ی اجتماعی و پلی برای تحقق اهداف آموزشی، بهداشتی، اقتصادی و سیاسی؛

مراقبت در سازوکارهای شکل‌گیری و ارتقای ساختاری سرمایه‌ی اجتماعی با هدف ممانعت از تبعات منفی آن، مانند: تسهیل ارتباطات در راستای منافع گروهی خاص یا صاحبان قدرت و ثروت؛  
پیشگیری از قطبی‌شدن جامعه و شکل‌گیری سرمایه‌ی اجتماعی منفی، به‌دلیل اتخاذ سیاست‌های تبعیض‌آمیز؛

شفافیت سازمانی و عدم تبعیض در راستای ایجاد اعتماد در کنشگران اجتماعی؛  
تلاش برای معرفی مؤلفه‌های هویت‌ساز در جهت ایجاد حس تعلق و انگیزه فعالیت‌های جمعی؛  
مجازات مسئولان خاطی و استقرار عدالت قضایی جهت ممانعت از تأثیر سوءعملکرد کارگزاران بر کاهش اعتماد عمومی به اسلام و حاکمیت.

## منابع

۱. آمدی، عبدالواحد (۱۳۸۰). غررالحکم و دررالکلم. ترجمه: شیخ محمدعلی انصاری شوشتری؛ مصحح: حجت‌الاسلام والمسلمین شیخ مهدی انصاری قمی. قم: مؤسسه انتشاراتی امام‌عصر (عج) (چاپ اول).
۲. ازکیا، مصطفی و غفاری، غلامرضا (۱۳۸۰). بررسی رابطه بین اعتماد و مشارکت اجتماعی در نواحی روستایی شهرستان کاشان. نامه‌ی علوم اجتماعی، شماره ۱۷: ۳۱-۳.
۳. اسماعیلی، رضا (۱۳۸۵). سطح‌بندی سرمایه‌ی اجتماعی در شهرستان‌های استان اصفهان. فصلنامه رفاه اجتماعی، شماره ۲۳: ۲۴۸-۲۲۵.
۴. بوردیو، پیر (۱۳۸۴). شکل‌های سرمایه‌ی اجتماعی. ترجمه: افشین خاکباز و حسن پویان. تهران: نشر شیرازه.
۵. پوتنام، روبرت. دی (۱۳۹۲). دموکراسی و سنت‌های مدنی. ترجمه: محمدتقی دلفروز. تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.
۶. تاجبخش، غلامرضا و جوانمرد، کرم‌الله و طرفی، علی‌رضا (۱۳۹۲). تحلیل رابطه‌ی بین سرمایه‌ی اجتماعی و احساس امنیت اجتماعی در شهر حمیدیه. فصلنامه‌ی علمی پژوهشی مطالعات امنیت اجتماعی. شماره ۳۳: ۴۵-۱۳.

سیاست متعالیه

- سال پنجم
  - شماره نوزدهم
  - زمستان ۹۶
- بازتاب سرمایه‌ی اجتماعی بر بهبود روابط دولت - ملت (۱۱۳ تا ۱۳۴)

۷. ترنر، جانانان. اچ (۱۳۸۴). پیدایش نظریه‌ی جامعه‌شناختی. ترجمه: عبدالعلی لهسایی‌زاده. شیراز: انتشارات نوید.
۸. توسلی، غلام‌عباس و موسوی، مرضیه (۱۳۸۲). سرمایه در نظریات کلاسیک و جدید با تأکید بر نظریه‌های سرمایه‌ی اجتماعی. نامه‌ی علوم اجتماعی، شماره ۲۶: ۶.
۹. چلیبی، مسعود و مبارکی، محمد (۱۳۸۴). تحلیل رابطه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی و جرم در سطوح خرد و کلان. مجله جامعه‌شناسی، شماره ۲۲: ۳-۴۴.
۱۰. حق‌گویان، زلفا؛ سیدجوادین، رضا؛ مشایخی، مریم؛ منتظری، عباس (۱۳۹۳). بررسی وضع سرمایه‌ی اجتماعی در سازمان امور مالیاتی استان قم. مدیریت سرمایه‌ی اجتماعی، شماره اول: ۲۱-۴۲.
۱۱. رفیع‌پور، فرامرز (۱۳۷۸). آنومی یا آشفتگی اجتماعی. تهران: انتشارات سروش.
۱۲. شیانی، ملیحه و محمدی، محمدعلی (۱۳۸۶). تحلیل جامعه‌شناختی احساس آنومی اقتصادی در میان جوانان. فصلنامه‌ی رفاه اجتماعی، شماره ۲۵: ۳۷-۱۱.
۱۳. عالی‌پور، علیرضا؛ عنایتی، ترانه (۱۳۹۵). طراحی مدل شرکت‌های زایشی؛ پژوهشی با هدف توسعه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی در دانشگاه‌ها. مدیریت سرمایه‌ی اجتماعی، دوره ۳، شماره ۱: ۲۱-۱.
۱۴. عباس‌زاده، محمد؛ علیزاده‌ا قدم، محمدباقر؛ اسلامی بناب، سیدرضا (۱۳۹۱). بررسی رابطه بین سرمایه‌ی اجتماعی و آنومی اجتماعی. مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، دوره ۱، شماره ۱: ۱۷۲-۱۴۵.
۱۵. طباطبائی، سیدمحمدحسین (۱۳۷۴). ترجمه‌ی تفسیرالمیزان. ترجمه: سید محمدباقر موسوی همدانی. قم: انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه (چاپ پنجم).
۱۶. غفاری، غلامرضا (۱۳۸۷). سرمایه‌ی اجتماعی و پیشگیری از جرم. مجموعه مقالات نخستین همایش پیشگیری از جرم، دفتر تحقیقات کاربردی پلیس: ۲۶۳-۲۸۹.
۱۷. فیض‌الاسلام اصفهانی، سیدعلی‌نقی (۱۳۷۰). نهج‌البلاغه. تهران: انتشارات فیض‌الاسلام.
۱۸. فیلد، جان (۱۳۸۸). سرمایه‌ی اجتماعی. ترجمه: غلامرضا غفاری و حسین رضائی. تهران: انتشارات کویر.
۱۹. کلینی، محمدبن‌یعقوب (۱۳۶۹). اصول‌کافی. ترجمه: جواد مصطفوی. تهران: انتشارات کتابفروشی علمیه اسلامیة.
۲۰. کلمن، جیمز (۱۳۸۴). نقش سرمایه‌ی اجتماعی در ایجاد سرمایه‌ی انسانی. ترجمه: کیان تاجبخش. تهران: نشر شیرازه.
۲۱. گیدنز، آتونی (۱۳۸۳). تجدد و تشخص. ترجمه: ناصر موقیبان. تهران: نشر نی.
۲۲. لطفیان، سعیده (۱۳۷۶). استراتژی و روش‌های برنامه‌ریزی استراتژیک. تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.

۲۳. مجلسی، محمدتقی (۱۱۰۳ - ۱۰۷۰). بحارالانوار. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه.

۲۴. محسنی، منوچهر (۱۳۸۲). مشارکت اجتماعی در ایران. تهران: انتشارات آرون.

۲۵. نصیری، فخرالسادات و همکاران (۱۳۹۴). بررسی تأثیر رهبری موثق بر بهبود خالقیت و نوآوری با توجه به نقش میانجی سرمایه‌ی اجتماعی. مدیریت سرمایه‌ی اجتماعی، دوره ۲، شماره ۴: ۴۹۶ - ۴۷۵.

سیاست متعالیه

- سال پنجم
- شماره نوزدهم
- زمستان ۹۶

بازتاب سرمایه‌ی  
اجتماعی بر بهبود  
روابط دولت - ملت  
(۱۱۳ تا ۱۳۴)

26. Batt, peter J. (2008). Building Social Capital in Network .Industrial Marketing Management: 487-491.

27. Bourdieu, P. (1986). The Forms of Capital. In Handbook of Theory and Research for the Sociology of Education. J. Richardson (eds). New York: Greenwood Press.

28. Bowen, Natasha K; Bowen, Gary L. and Ware, William. (2002). Neighborhood Social Disorganization, Families, and the Educational Behavior of Adolescents .Journal of Adolescent Research, Vol.17, No.5: 468-490.

29. Browning , Christophre R ; Dietz, Robert and Feinberg, Seth L. (2000). Social Capital and Urban Crime: A Negotiated coexistence perspective. URAI working Paper No. 07-00 at the Ohio stats University: 1-59, <http://www.ohio- stats .edu>.

30. Dynes, Russell. (July 2006). Social Capital: Dealing with Community Emergencies. Homeland Security Affairs, Monterey, California. Naval Postgraduate School, v.2, no.2.

31. Messner, Steven F; Baumer, Eric p and Rosenfeld, Richard. (2001). Social capital and Homicide . social Forces ,Vol. 80, No. 1: 283-310.

32. Nahapiet, J. and Ghoshal S.. (1998). Social Capital, Intellectual Capital, and the Organizational Advantage. Academy of Management Review, 23(2): 242- 266.

33. Nizar Aerin, Saleh S. Ali, D. Salman, E. Demmalino. (2016). Social Capital: The Historical Emergence And Its Implications To Agricultural Development Program, INTERNATIONAL JOURNAL OF SCIENTIFIC & TECHNOLOGY RESEARCH, VOLUME 5, ISSUE 07, JULY 2016.

34. Nye, J. S. Jr.(2004 a). Soft Power: The Means to Success in World Politics. New York: Public Affairs.

35. Popova, Zora. (2012). The Social Capital as a Security Factor. Belgrade Centre for Security Policy: Journal of Regional Security, 7:1, 1 -15.

36. Putnam, R. D. (1993). Making democracy work: Civic traditions in modern italy. Princeton: NJ, Princeton University Press.
37. Dna, Rose, A. and Clear, Todd R. (2002). Incarceration, Social Capital, and Crime: Implications for social Disorganization Theory. Criminology. Beverly Hills: vol.36, Iss. 3: 183-200.
38. Rubal, M & Voces, C. (2007). Confidence in Institutions and Social Trust .Paperprepared for the ECPR Joint Session, Helsinki, Finland: Escola Galega de Administración Pública Rúa de Madrid: 2-4.
39. Sampson, R & Groves, B.(1989). Community Structure and Crime: Testing Social Disorganization Theory. American Journal of Sociology, 94: 774-802.
40. Uzzi, B. and S. Dunlap. (2005). How to build your network. Harvard Business Review 83(12): 53- 60.
41. Weaver, R.D.; McMurphy, S.M.; Habibov, N.N. (2013) Analyzing the impact of bonding and bridging social capital on economic well- being: Results from Canada's general social survey. Sociol. Spectr, 33, 566 -583.

---

فصلنامه

علمی

پژوهشی

---

مستقبل